

## نخستین روزهای «حکومت الله» و جنگ کردستان (<https://www.radiozamaneh.com/97937>)

ناصر مهاجر

مطلبی که در زیر می‌خوانید، بخش سوم از مقاله‌ای با عنوان «۲۸ مرداد کردستان» به قلم ناصر مهاجر، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران است.

در بخش نخست به پیش‌زمینه‌های «دستور اکید» آیت‌الله خمینی به «کلیه قوای انتظامی» برای حرکت به سمت کردستان، رویدادهای نوروز خونین سندیج و مطالبات کردها در اوایل انقلاب پرداخته شد. بخش دوم این مقاله به مسئله «کردها و رفراوندوم ۱۲ فروردین ۱۳۵۸» اختصاص دارد. در این بخش به موضع سازمان‌ها، احزاب و شخصیت‌ها به ویژه در کردستان نسبت به رفراوندوم فروردین سال ۵۸ (جمهوری اسلامی، آری یا نه؟) اشاره شده است. در بخش سوم از جمله رویدادهای پس از رفراوندوم، جنگ دوم کردستان و مواضع آیت‌الله خمینی در آن روزها بررسی می‌شود.

بخش‌های پیشین این مقاله را بخوانید:

بخش نخست: ۲۸ (<https://www.radiozamaneh.com/92204#UjBBTBYz6x1>)

کردستان (<https://www.radiozamaneh.com/92204#UjBBTBYz6x1>)

بخش دوم: کردها (<https://www.radiozamaneh.com/94492#UjA5VhYz6x1>)

رفراوندوم ۱۲ (<https://www.radiozamaneh.com/94492#UjA5VhYz6x1>)

فروردین ۱۳۵۸ (<https://www.radiozamaneh.com/94492#UjA5VhYz6x1>)

(<https://www.radiozamaneh.com/94492#UjA5VhYz6x1>)



(<https://www.radiozamaneh.com/u/wp-content/uploads/2013/09/34.jpg>)

با اعلام نتیجه همه‌پرسی و رای‌آوری جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ که آیت‌الله خمینی آن را «روز نخستین حکومت الله» خواند [۱] روند محدود کردن آزادی‌های فردی، اجتماعی و سیاسی و توأمان با آن، سرکوب جنب و جوش‌های حق‌خواهانه، شتابی تازه گرفت.

نقطه اوج این روند بیدادگری، خودکامگی و فریبکاری، سرباز زدن جمهوری نو بنیاد اسلامی، از تشکیل مجلس موسسان بود و جایگزین کردن توطئه‌آمیز آن نهاد با مجلس خبرگان قانون اساسی. اعتراض‌هایی که نسبت به این شیادای سیاسی از هر سو برخاست، فقیه خودکامه را واپس نشانند. برعکس دستاویزی فراراهش نهاد برای برساختن فضای حمله سراسری به دگراندیشان. در پیامی که به مناسبت فرارسیدن ماه رمضان به «عموم مسلمانان و مستضعفان» داد درآمد که: «من با پشتیبانی ملت عظیم مسلمانان از موضع قدرت به بدخواهان نهضت اسلامی و به توطئه‌گران راست و چپ اخطار می‌کنم که دست از فساد و توطئه بردارند و برای مصالح کشور به ملت بپیوندند و از نفاق و خدمت به اجانب پیرهن‌بند و گمان‌نکنید با این حرکات جاهلانه می‌توانید ملت را از مسیر خود بازدارید. و نیز به مطبوعات و رسانه‌های جمعی همین اخطار را اکیدا می‌کنم... از توطئه‌های خلاف مصالح عالیله اسلام و ملت جدا جلوگیری می‌شود و من در صورت احساس خطر جدی مسائل را با ملت عزیزم در میان می‌گذارم تا ملت دلیر خود تصمیم لازم را بگیرد...» [۲]

خیمینی در نخستین روز ماه رمضان آن سال (چهارم مرداد ۱۳۵۸) از درونمایه «توطئه‌های خلاف مصالح عالییه اسلام» پرده برداشت. چون گام بعدی‌اش پر کردن مجلس خبرگان قانون اساسی بود از طیف مسلمانان شیعی و افسگرایی که از پی او می‌رفتند، فاش ساخت نمی‌خواهد و نایبست که دگراندیشان از حقوق شهروندی خود بهره‌برند، به مجلس خبرگان قانون اساسی راه یابند و در کار تدوین قانون مملکت، مشارکت داشته باشند. با این هدف بود که گفت: «... نقشه‌های شیطانی در کار است و ما باید بیشتر هوشیار باشیم - گمان نکنیم که دیگر سد را شکستیم و کار تمام شد. الآن این‌ها مشغول تجهیزند - اجتماعات و اشخاصی که اصلاً باهم دوست نبودند، گروه‌هایی که ابدأ هیچ ارتباط با هم نداشتند، حالا با هم پیوند کردند. شما روزنامه‌ها را بخوانید - قضیه قانون اساسی و مجلس خبرگان را ببینید چه گروه‌هایی با هم مجتمع شدند برای اینکه کاندیدا بدهند - توجه داشته باشید کاندیداهای شما اسلامی باشند. ما می‌خواهیم یک مملکت اسلامی درست بکنیم - مملکت اسلامی قانونش باید اسلامی باشد - باید آن کسانی را که برای بررسی قانون اساسی تعیین می‌کنید، خبره اسلامی باشند... صدر اسلام - سربازهای اسلامی برای اسلام جان‌شان را به خطر می‌انداختند - حال جوان‌های ما هم این‌طور شده است... شاید هرچند روزی یک دفعه یکی می‌آید بیخ گوش من می‌گوید دعا کنید من شهید بشوم - جوان با این حس اسلامی به میدان آمده است. این حس انسانی و اسلامی ما را پیروز کرده است... حالا بعد از اینکه اینجا رسیدیم بیاییم یک قانون آمریکایی درست کنیم - یک قانون اروپایی درست کنیم - یک قانون اساسی غربی درست کنیم و خون جوان‌هایمان را به هدر بدهیم - این الان دست خود شما است؛ این قانون پیش نویس است - پیش نویس هیچ نیست باید طرح بدهید - نظر بدهید و مهم این است که خبرگان باید اسلامی و امین و مسلمان باشند. متوجه غرب و شرق نباشند. تحت تاثیر مکتب‌های انحرافی نباشند. این‌هایی که می‌خواهید تعیین کنید این‌طور نباشد که تحت تاثیر مکتب مارکس یا امثال این‌ها باشند...» [۳]



<https://www.radiozameh.com/u/wp-content/uploads/2013/09/066.jpg>

کوچ مرپوان

در پی این گفتار بود که انواع و اقسام سدها را بر سر راه شرکت نامزدهای جریان‌ها و جرگه‌های دگراندیش و چپ‌گرا در برنامه‌های رادیو - تلویزیونی به وجود آوردند. میتینگ‌های انتخاباتی با یورش حزب‌الله بهم ریخت و مبلغان نامزدهای ناهمساز، مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. خلافت‌کاری‌ها چندان از حد گذشت که حتی حزب جمهوری خلق مسلمان که از سوی آیت‌الله کاظم شریعتمداری پشتیبانی می‌شد، لب به شکایت گشود و تعویق انتخابات را خواستار شد: «علی‌رغم شرایط نامطلوب نحوه انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی از قبیل امکان دادن به اعضای شورای انقلاب (که اکنون بعضاً عضو دولت هستند) برای شرکت در انتخابات، اقدامات و برنامه‌ریزی‌های عجولانه کمیته برگزاری انتخابات... بدون در نظر گرفتن شرایط لازم از قبیل ایجاد فضای آزاد و مناسب و همراه با امنیت می‌باشد و این شواهد امکان صحت نتایج انتخابات را مورد تردید قرار می‌دهد... بدین وسیله پیشنهاد می‌نماید تاریخ انتخابات حداقل به مدت سه هفته به تعویق بیفتد... شواهدی از قبیل دخالت کمیته‌ها در امر انتخابات و تبلیغ به نفع یک حزب مشخص، تهدید کاندیداها به وسیله افراد معلوم‌الحال، اقدام افراد مزدور در جهت پاره نمودن

اوراق تبلیغاتی احزاب غیر وابسته به دستگاه و غیره موجود است با توجه به اینکه عجله غیر لازم در انجام انتخابات نمایندگان مردم برای قانون اساسی نه تنها موردی ندارد، بلکه نمی‌تواند مقدم بر لزوم اصالت انتخابات قرار بگیرد... لذا امید است این پیشنهاد مورد موافقت مقامات مسئول قرار گرفته... در صورتی که مسئولین امر بر عجله در انجام انتخابات تکیه داشته باشند... این حزب به علت عدم وجود شرایط مناسب و آزاد برای انتخابات، از شرکت در انتخابات خوداری خواهد نمود.» [۴]

به درخواست حزب جمهوری خلق مسلمان و بسیاری دیگر از چهره‌ها و جریان‌های سیاسی منتقد و مخالف، دولت اعتنایی نکرد و این سبب آن گشت که بیش از بیست تشکل کوچک و بزرگ پیشاپیش اعلام کنند که در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی شرکت نمی‌کنند. [۵]

جبهه دموکراتیک ملی ایران، پیش و بیش از دیگران دلیل روی‌برافتن از آن انتخابات را برنمود: «... شیوه‌های غیر دموکراتیک در زندگی سیاسی امروز ایران در جهت پراکندگی نیروهای ملی ابزار دست موثر و کارآمد امپریالیسم و وابستگان بومی آن است. اتخاذ یک شیوه دموکراتیک در به راه‌اندازی مجلس موسسان واقعی متشکل از نمایندگان همه نیروهای ملی (نه آن‌چنان که امروز با جایگزین کردن مرجعیت مذهبی به جای مرجعیت سیاسی این «مجلس خبرگان» می‌رود که به مجمعی انحصاری تبدیل شود) می‌توانست گام بزرگی در جهت آرامش کشور و ایجاد فضای مناسب سیاسی باشد و مبارزه ملی و یک‌پارچه ضد امپریالیستی را تضمین کند و قوام بخشد. تردیدی نباید داشت که تنها آن مجلسی و نهایتاً آن قانونی می‌تواند اساس وحدت ناگسسته نیروهای ملی در سرزمین ما قرار گیرد که نمایندگان تمامی قشرها و نیروها در آن شرکت داشته باشند و مصوبات آن ناظر بر حفظ منافع و مصالح منطقی همگان باشد... در وضعیت کنونی با واقعیات زیر روبه‌رو هستیم:

۱- در مناطق وسیعی از کشور ناآرامی و اغتشاش به حدی است که به آستانه جنگ خانگی رسیده است. در خوزستان وضع به کلی ناآرام است. مردم مریوان شهر را ترک کرده به کوه‌ها پناه برده‌اند. در نقاط دیگر کردستان، آتش زیر خاکستر هر آن احتمال شعله‌ور شدن دارد. در آذربایجان غربی رویارویی مسلحانه از چند روز پیش به این طرف یکی از واقعیت‌های زندگی روزمره شده است.

۲- علی‌رغم همه قول‌ها و وعده‌های مقامات دولتی و وابسته به حکومت، ارتش "نیمه بازسازی شده" که قرار نبود در درگیری‌های داخلی مداخله کند، امروز رسماً و علناً مأموریت مداخله پیدا کرده. به نظر ما حتی در دموکراتیک‌ترین نظام‌هایی که می‌توان تصور کرد، در شرایط اغتشاش و جنگ داخلی انجام هیچ انتخابات آزادی میسر نیست و تحمیل انتخابات در چنین شرایطی جز عمیق‌تر کردن تفرقه ملی و جدایی صفوف مردم نتیجه‌ای نخواهد داشت.

۳- در مناطق نسبتاً آرام، در مرکز قدرت حکومتی یعنی تهران و در سنتی‌ترین محل تجمع و گفت‌وگو یعنی دانشگاه تهران هم آزادی تبلیغ انتخاباتی وجود ندارد و همه مردمی که در چند گردهمایی اخیر دانشگاه تهران شرکت کردند به چشم دیدند و دیگران در روزنامه‌ها خواندند که چگونه این تجمعات برای اعلام نظرات و مواضع درباره مجلس موسسان و انتخابات با هجوم مشتی اخلاص‌گر انحصارطلب مواجه می‌شود...

... نمی‌توانیم نسبت به مسئله دموکراسی برخوردی تاکتیکی داشته باشیم. ما نمی‌توانیم شرایط غیر دموکراتیک حاکم بر همه فعالیت‌ها، از جمله شرایط انتخاباتی را به هیچ بهانه‌ای مسکوت یا پنهان بگذاریم و از کنار آن فرصت طلبانه رد شویم.

از این رو با توجه به شرایط غیردموکراتیکی که بر انتخابات مجلس موسسان تحمیل شده است و ما بارها به آن اعتراض کرده‌ایم، اینک اعلام می‌کنیم که در پی‌گیری اعتراضات اصولی خود هیچ نامزدی را برای شرکت در انتخابات "مجلس خبرگان" معرفی نمی‌کنیم. [۶]

با برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی (۱۲ مرداد ۱۳۵۸) و اعلام نام ۷۳ تنی که به درون این نهاد راه داده شدند (۱۴ مرداد ۱۳۵۸) مرحله تازه‌ای در جنگ و جدال جامعه مدنی با حکومت سیاسی پدید آمد. انباشتن آن مجلس از اعوان و انصار آیت‌الله خمینی که بیشترین شان روحانیون شیعی بودند و عضو حزب جمهوری اسلامی، پذیرفتن تنها یک زن (منیره گرجی فرد)، محجبه سنت‌گرایی که در مدرسه‌های دینی فقه درس می‌داد، نپذیرفتن بیش از دو تن از سکولارهای سیاسی (یکی از آن دو عبدالرحمان قاسملو بود) و راه ننگشودن بر علمای سنی، و این همه با رای سازی و رای سوزی، موج اعتراض به بار آورد. گستردگی و گونه‌گونی طیف اعتراض‌کنندگان به اندام حکومت ترس انداخت. این بار تنها چپ‌ها و دموکرات‌های انقلابی نبودند که فریاد می‌زدند، بسیاری از دستیاران دولت بازرگان (جبهه ملی، جاما، حزب ملت ایران) و همدستان روحانیت در قدرت نیز فغان برمی‌آوردند. از جمله آن بسیاریان، جامعه حوزه علمیه مشهد است که در تلگرامی به نخست‌وزیر و وزیر کشور مشتی از خروار را برنمود؛ با احتیاط البته.

«با نحوه برگزاری انتخابات برای مجلس خبرگان، ملت ایران احساس کرد که بعضی از رویه‌های گذشته ادامه دارد و برنامه‌های انتخابات با سابق فرقی نکرده است... حتماً به حضورتان گزارش شده است که چه جناباتی در انتخابات و نحوه انجام آن شده است. مسلماً نحوه انتخابات و شکایات علما و مراجع و مردم در فارس، آذربایجان، خراسان، قائم‌شهر و غیره به اطلاع رسیده است و لابد اطلاع دارید در خراسان... اکثریت قاطع مردم به کاندیداهای مراجع تقلید مشهد... رای داده‌اند. ولی از برکات بعضی از احزاب اسلامی، نتیجه غیر از آنچه مردم به آن رای داده‌اند اعلام شده است. آیا به اطلاع رسیده کسی که بیش از ۲۰۰ هزار رای داشته، تعداد آرای او را اعلام نکرده‌اند و بعضی از افراد اعلام شده در اقلیت قابل ملاحظه‌ای بوده‌اند. آیا می‌دانید پای هر صندوق افرادی حضور داشتند که با اعمال نفوذ، خلاف نظر رای‌دهنده، آنچه را که دستور داده‌اند به صندوق ریخته... جامعه مدرسین حوزه علمیه مشهد، این انتخابات را مطابق موازین آزادی ندانسته و آن را ابطال می‌نماید و انتظار داریم که هیئتی برای رسیدگی به محل اعزام شود.» [۷]



<https://www.radiozaman.com/u/wp-content/uploads/2013/09/3.jpg>) پیدا بود که انتخابات را باطل نمی کنند، اما به چند شهر هیئت هایی فرستادند تا به «صد فقره شکایت ها و اعتراض های رسیده» رسیدگی شود. [۸] اینک چون روز روشن است که بیش از هر چیز، حمله به رکن های شناخته شده پیکار دموکراتیک را تدارک می دیدند، هماهنگی برای از میان برداشتن روزنامه های آزادی خواه و نیز واپس نشاندن «مزاحم ترین» جریان های سیاسی و جنبش های اجتماعی را. پیش از آنکه فرمان حمله داده شود، دادستان کل انقلاب اسلامی، مهدی هادوی را کنار گذاشتند و علی قدوسی را جای او نشاندند که «از فضای حوزه علمیه قم» بود و «پس از پیروزی انقلاب در دفتر امام خمینی عهده دار امور محوله...» [۹]

با این جابه جایی بود که فرمان حمله داده شد و رسانه ها، اطلاعاتیه «رهبر انقلاب اسلامی» را به انتشار رساندند: «با کمال تأسف... دیده و شنیده می شود اعتصاب بعد از اعتصاب، تحصن پس از تحصن و راهپیمایی پس از راهپیمایی و دروغ پراکنی دنبال دروغ پراکنی و کوشش در جهت تضعیف دولت با هر حيله و شایعه سازی رواج دارد و در جایی که دولت با کوشش به اصلاح امور... اشتغال دارد و کارشکنی ها شروع و به اسم صلاح اندیشی به تضعیف روحیه مردم و انتقاد بی منطق از دولت اسلامی بیا خاستند. باید به برادران و خواهران بسیار محترم تذکر بدهم همانطور که در حال انقلاب، تحصن و اعتصاب بر ضد طاغوت موجب رضای خداوند تعالی بود، در حال حاضر که دولت اسلامی و ملی ست و دشمن در توطئه است، تحصن و اعتصاب و شایعه سازی و جنجال بی اساس که باعث ضعف دولت و تقویت دشمنان اسلام و ملت می شود، موجب سخط خداوند و از معاصی بزرگ و محرّمات عظیم شمرده می شود...» [۱۰]

حمله، با اشغال دفتر و چاپخانه روزنامه آیندگان و بازداشت ۱۳ تن از همکاران آن روزنامه یگانه آغاز شد. [۱۱] از انتشار روزنامه های ندای آزادی و کیهان آزاد نیز در همان روز سه شنبه ۱۶ مرداد ۱۳۶۸ پیشگیری کردند؛ و نیز از انتشار پیغام امروز و چلنگر که گل سر سید روزنامه طنز تهران آن دوران بود. در برابر تجاوز به حقوق مطبوعات، جبهه دموکراتیک ملی ایران، مردم را به یک راه پیمایی اعتراضی فراخواند که از پشتیبانی رسمی نهادهای دموکراتیکی همچون کانون نویسندگان ایران، کانون مستقل معلمان تهران، انجمن دفاع از آزادی مطبوعات، دانشجویان مدرسه عالی روزنامه نگاری برخوردار شد و نیز پشتیبانی عملی بسیاری از جریان ها و جرگه های چپ گرا همچون سازمان چریک های فدایی خلق ایران، سازمان وحدت کمونیستی، اتحاد چپ و... [۱۲] اعلام تعطیل ده روزنامه و هفته نامه دیگر از جمله تهران مصور و امید ایران، پس از تصویب شتابان قانون مطبوعات، شماری بیشتری از وجدان های بیدار را به میدان پیکار با رشد دم افزون خودکامگی کشاند. [۱۳] به این ترتیب صدها هزار تن از مردم معترض در ساعت شش پس از ظهر یکشنبه ۲۱ مرداد، زیر سنگباران سنگین حزب الله، راه پیمایی از دانشگاه تهران را آغاز کردند و با سر دادن شعارهایی چون مرگ بر فاشیسم و ارتجاع نابود است، خود را به کاخ نخست وزیری رساندند. «ولی در مقرر قدرت، هیچ سری از پنجره بیرون نیامد تا دست کم فریاد آزادی را بشنود؛ منتهای لطف دولتیان برای حفظ نظم شلیک تیر هوایی در مقابل نخست وزیری و گاز اشک آور در مقابل کلاتری مرکزی، آن هم برای پراکندن جمعیت بود» [۱۴] که «۲۷۰ مجروح و مصدوم برجای گذاشت». [۱۵]

این پاسخ حکومت به راهپیمایی چند صد هزار نفره مردم، به معنای چرخش در مناسبات میان نیروهای سیاسی بود که در مبارزه علیه دیکتاتوری شاه مشارکت داشتند و گسست تمام و کمال طیف یزدان سالاران شیعی از دموکراسی خواهان سکولار. از این روست که در فردای آن راه پیمایی تاریخی، سازمان دهندگان و «مسئوبان تظاهرات و زدو خورد ها» را ضد انقلابی خواندند و اعلام کردند که آن ها را «در دادگاه های انقلاب اسلامی تهران محاکمه خواهند کرد». [۱۶] در همان روز دوشنبه نیز با شعار مرگ بر کمونیست به دفتر سازمان چریک های فدایی خلق ایران حمله کردند و آن را به تسخیر خود در آوردند. فدائیان این حمله را پیش بینی کرده بودند؛ درست پس از تعطیل آیندگان. «حمله مستقیم و آشکار به آزادی مطبوعات مقدمه حمله مستقیم و آشکار به همه آزادی ها، به همه ثمرات مبارزه مردم و به همه

نیروهای انقلابی است...» [۱۷] این پیش‌بینی، با گام‌های عملی برای پاسداری از دفترهای آن سازمان در سراسر کشور و سازماندهی یک جنبش مقاومت همراه نشد، اما سازمان مجاهدین خلق با اینکه در راه‌پیمایی شرکت نکرده بود [۱۸] در همان شب یکشنبه شب ۲۱ مرداد «نزدیک به ده هزار تن از هواداران خود را... به محافظت از ستاد» سازمان خود گماشت [۱۹] و تا پیش از آغاز جنگ دوم کردستان و مذاکره با مقامات دادستانی انقلاب، به ترک دفترهای علنی خود تن نداد. [۲۰]

جنگ دوم کردستان را در همان روزهای پر تب و تاب نیمه دوم مرداد، زمینه‌چیدند. نیروهای غیربومی سپاه پاسداران را یکباره به پاوه گسیل داشتند و شهر را به دست آن‌ها سپردند. وقتی استاندار تازه، محمد رشید شکیبا، به این کردار واکنشی نشان نداد، مردم به اعتراض و برای پیشگیری از درگیری، شهر را ترک گفتند و به روز ۲۰ مرداد در روستای قوری قلعه تحصن کردند. [۲۱] پاسداران این واکنش مردم را برتیبیدند و نیمه‌شبان «تحصن‌کنندگان را به گلوله بستند». [۲۲] جنایت سبب تحریک مردم شد، برگرفتن سلاح و به پاخاستن برای بازستاندن شهر در ۲۴ مرداد. درشت‌نمایی خیر «پاوه به دست مهاجمان در شرف سقوط است» در صفحه اول روزنامه‌های پنجشنبه ۲۵ مرداد، پیش‌درآمد پامنبری‌ها درباره‌ی «فتنه‌گری» و «آتش افروزی» شد و خطبه‌های شداد و غلاظ نماز جمعه ۲۶ مرداد. در نخستین راه‌پیمایی «روز قدس» که پس از نماز جمعه برگزار شد نیز سردانند: توقیف آیندگان، مورد تأیید ماست... سرکوبی توطئه، مورد تأیید ماست... دادگاه انقلابی مورد تأیید ماست... ساواکی چپ‌نما دشمن قرآن ماست. این مضمون‌های کلی را در قطعنامه آن راه‌پیمایی نیز گنجانده‌اند: «ما از دولت مقاومت اسلامی می‌خواهیم که هرچه زودتر عوامل توطئه‌گر چپ‌نما را که در گوشه و کنار کشور باعث کشتار مردم بی‌گناه شده و با فریب خلق می‌خواهند اغراض پلید خود را جامه عمل بپوشانند، به جای خود بنشانند». [۲۳]

فضا را که آلودند و مغزها را که سستند، خمینی به صحنه آمد. سخنان آتشین او در پس از ظهر جمعه ۲۶ مرداد در شهر قم، تنها اعلام جنگی تام و تمام بر ناسازگاران و دگرخواهان نبود و نشانگر نقشه لشکرکشی. در آن سخنرانی او یکسره نقاب از رخ برافکند و چهره راستین خود برنمود.

«... اگر ما از اول که رژیم فاسد را شکستیم و این سد بسیار فاسد را خراب کردیم، خود انقلابی عمل کرده بودیم و قلم تمام مطبوعات مزدور را شکسته بودیم و تمام مجالات فاسد و مطبوعات فاسد را تعطیل کرده بودیم و روسای آن‌ها را به محاکمه کشیده بودیم و حزب‌های فاسد را ممنوع اعلام کرده بودیم و روسای آن‌ها را به جزای خودشان رسانده بودیم و چوب‌های دار در میدان‌های بزرگ برپا کرده بودیم و مفسدین و فاسدین را درو کرده بودیم، این زحمت‌ها پیش نمی‌آمد. من از پیشگاه خدای متعال و از پیشگاه ملت عزیز، عذر می‌خواهم. خطای خودمان را عذر می‌خواهم... دولت ما انقلابی نیست. ارتش ما انقلابی نیست. ژاندارمری ما انقلابی نیست. شهربانی ما انقلابی نیست. پاسداران هم انقلابی نیستند. من هم انقلابی نیستم. اگر ما انقلابی بودیم، اجازه نمی‌دادیم این‌ها اظهار وجود کنند. تمام احزاب را ممنوع اعلام می‌کردیم. تمام جبهه‌ها را ممنوع اعلام می‌کردیم و یک حزب و آن حزب الله - حزب مستضعفین - تشکیل می‌دادیم. و من توبه می‌کنم. از این اشتباهی که کردم. و من اعلام می‌کنم به این قشرهای فاسد در سرتاسر ایران که اگر سر جای خود ننشینند، ما به طور انقلابی با آن‌ها عمل می‌کنیم. مولای ما امیرالمومنین... در برابر مستکبرین و کسانی که توطئه می‌کردند، شمشیر را می‌کشید و هفتصد نفر را در یک روز، چنان که نقل می‌کنند، از یهودی قرنطیه که نظیر اسرائیلی‌ها بودند و این‌ها شاید از نسل آن‌ها باشند، از دم شمشیر می‌گذراند. خدای تبارک و تعالی در موضع عفو و رحمت رحیم است و در موقع انتقام، انتقام‌جو... ما نمی‌ترسیم از اینکه در روزنامه‌های سابق، در روزنامه‌های خارج از ایران، برای ما چیزی بنویسند... ما می‌خواهیم به امر خدا عمل کنیم و خواهیم کرد... این توطئه‌گرها در کردستان و غیر آن، در صف کفار هستند. با آن‌ها باید با شدت رفتار کرد. دولت باید با شدت رفتار کند. ژاندارمری باید با شدت رفتار کند. ارتش باید با شدت رفتار کند. اگر با شدت رفتار نکنند، ما با آن‌ها با شدت رفتار می‌کنیم. ما با خود همین‌ها اگر مسامحه بکنند، با شدت رفتار می‌کنیم. مسامحه حدودی دارد و جلب و جاهدت حدودی دارد... دادستان انقلاب موظف است تمام مجلاتی را که بر ضد مسیر ملت است و توطئه‌گر است، توقیف کند و نویسندگان آن‌ها را دعوت کند به دادگاه و محاکمه کند. موظف است کسانی را که توطئه می‌کنند و اسم حزب روی خودشان می‌گذارند، روسای آن‌ها را بخواهند و آن‌ها را محاکمه کنند... ما باز تا چندی مهلت می‌دهیم به این قشرهای فاسد و این اعلام آخر است و اگر چنانچه در کار خودشان تعدیل نکنند و به صف ملت برنگردند و دست از توطئه‌ها برندارند، خدا می‌داند انقلابی عمل می‌کنم. می‌آیم به تهران و با روسایی که مسامحه می‌کنند، انقلابی عمل می‌کنم. قشرهایی از ارتش که اطاعت از بالاتر نمی‌کنند و امر آن‌ها را اطاعت نمی‌کنند، باید بدانند که من با آن‌ها اگر آدم انقلابی عمل می‌کنم. عذرها را کنار بگذارید. بروید فاسدها را سرکوب کنید. بروید توطئه‌گرها را سرکوب کنید. دولت مسامحه نکند...» [۲۴]

پشت‌بند این اعلام جنگ بیانیه‌ای بود که تاریخ ۲۷ مرداد ۵۸ را بر پیشانی دارد و در همین روز نیز در گستره کشور انتشار داده شد: «... به دولت و ارتش و ژاندارمری اخطار می‌کنم اگر با توپ‌ها و تانک‌ها و قوای مجهز تا ۲۴ ساعت دیگر حرکت به سوی پاوه نشود، من همه را مسئول می‌دانم.»

من به عنوان ریاست کل قوا به رئیس ستاد ارتش دستور می‌دهم که فوراً با تجهیز کامل عازم منطقه شوند و به تمام پادگان‌های ارتش و ژاندارمری دستور می‌دهم که بی‌انتظار دستور دیگر و بدون فوت وقت با تمام تجهیزات به سوی پاوه حرکت کند و به دولت دستور می‌دهم وسائل حرکت پاسداران را فوراً فراهم کند.

تا دستور ثانوی من مسئول این کشتار وحشیانه را قوای انتظامی می‌دانم و در صورتی که تخلف از این دستور نمایند با آنان عمل انقلابی می‌کنم. مکرر از منطقه اطلاع می‌دهند که دولت و ارتش کاری انجام نداده‌اند. من اگر تا ۲۴ ساعت دیگر عمل مثبت انجام نگیرد، سران ارتش و ژاندارمری را مسئول می‌دانم. / والسلام، روح الله موسوی خمینی»

پی‌آیند چنین کوبش‌هایی بر طبل جنگ و کوشش برای هم‌نوایی و هماهنگ‌سازی اندام‌واره‌های جمهوری اسلامی در راستای سرکوبی ناسازگارن، بیش و کم دانسته است. می‌ماند پاسخ به این پرسش: پایوران خمینی، «صف کفار» را برای عوام‌الناس چگونه معنی کردند و چه شناسه‌ای برای «توطئه‌گرها در کردستان و غیر آن»، تراشیدند.

بخش‌های پیشین:

بخش نخست: ۲۸ (<https://www.radiozamaneh.com/92204#.UjBBTBYz6x1>) مرداد

(<https://www.radiozamaneh.com/92204#.UjBBTBYz6x1>) کردستان (<https://www.radiozamaneh.com/92204#.UjBBTBYz6x1>)

بخش دوم: کردها (<https://www.radiozamaneh.com/94492#.UjA5VhYz6x1>) و

(<https://www.radiozamaneh.com/94492#.UjA5VhYz6x1>) فرزندوم (۱۲) (<https://www.radiozamaneh.com/94492#.UjA5VhYz6x1>)

(<https://www.radiozamaneh.com/94492#.UjA5VhYz6x1>) فروردین (۱۳۵۸) (<https://www.radiozamaneh.com/94492#.UjA5VhYz6x1>)

(<https://www.radiozamaneh.com/94492#.UjA5VhYz6x1>)

پی‌نوشت‌ها:

۱- کیهان، ۱۴ فروردین ۱۳۵۷

۲- کیهان، ۴ مرداد ۱۳۵۷

۳- پیشین

۴- کیهان، ۱۰ مرداد ۱۳۵۸

۵- کیهان، ۱۱ مرداد ۱۳۵۸ نوشت که «تاکنون ۱۷ گروه و حزب اعلام کرده‌اند که در انتخابات شرکت نمی‌کنند. این گروه‌ها و احزاب عبارتند از: جبهه دموکراتیک ملی، جمعیت آزادی، حزب کمونیست کارگران و دهقانان، جمعیت اتحاد برای آزادی، حزب آزادی‌خواهان، حزب راه آینده، آزادگان ایران، راه نو، حزب جمهوری فدراتیو خلق‌های ایران، گروه سیاسی ایران امروز، احزاب وابسته به جبهه ملی و گروه آزادگان و ضمناً احتمالاً حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان نیز با توجه به نامه سرگشاده دیروز در این انتخابات شرکت نخواهد کرد.» پان ایرانیست نیز در انتخابات شرکت نکردند و چریک‌های فدایی خلق به رهبری اشرف دهقانی

۶- کیهان، ۴ مرداد ۱۳۵۸

۷- کیهان، ۱۶ مرداد ۱۳۵۸

۸- کیهان، ۲۲ مرداد ۱۳۵۸

۹- کیهان، ۱۸ مرداد ۱۳۵۸

۱۰- کیهان، ۱۷ مرداد ۱۳۵۸

۱۱- آزادی (وابسته به جبهه‌ی دمکرتیک ملی ایران)، ۱۷ مرداد ۱۳۵۸

۱۲- کار (سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران)، سال اول، شماره ۲۷، ۲۲ مرداد ۱۳۵۸

۱۳- کیهان، ۲۱ مرداد ۱۳۵۸

۱۴- آزادی (وابسته به جبهه دموکراتیک ملی ایران)، شماره ۲۱، ۲۲ مرداد ۱۳۵۸

۱۵- کیهان، دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۵۸

۱۶- کیهان، ۲۳ مرداد ۱۳۵۸

۱۷- کار (سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران)، سال اول، شماره ۲۷، ۲۲ مرداد ۱۳۵۸

۱۸- «سخنگوی گروه‌های جنبش، مسلمانان مبارز، جاما، ساش و سازمان مجاهدین خلق دیروز اعلام کرد که این پنج گروه موترف در راهپیمایی اعتراض به اختناق که به دعوت جبهه‌ی دموکراتیک که امروز انجام خواهد شد، شرکت نخواهد کرد.» کیهان، ۲۱ مرداد ۱۳۵۸

۱۹- کیهان، ۲۵ مرداد ۱۳۵۸

۲۰- کیهان، ۲۹ مرداد ۱۳۵۸

۲۱- پیغام امروز، ۲۰ مرداد ۱۳۵۸

۲۲- کیهان، ۲۵ مرداد ۱۳۵۸

۲۳- کیهان، ۲۷ مرداد ۱۳۵۸

۲۴- اطلاعات، ۲۷ مرداد ۱۳۵۸

مطلب را به بالاترین بفرستید: <http://balatarin.com/links/submit?phase=2&url=https://www.radiozamaneh.com/97937/&title> =نخستین روزهای «حکومت الله» و جنگ کردستان)

<https://play.google.com/store/apps/details?>



([id=com.radiozamaneh.rss](https://com.radiozamaneh.rss))